

دوگانگی نزول توهم یا واقعیت؟



علی شفیعی*

چکیده

نزول وحی که اسرارآمیزترین واقعه دینی است، ضمن آنکه در همه ادیان الهی دارای تقدس و جایگاه ویژه‌ای بوده، همیشه مورد تأمل و کنکاش نیز قرار می‌گرفته است. این اتفاق که به گونه‌های متفاوت و در ادیان مختلف الهی رخ داده از همان ابتداء مورد توجه متدینین و عالمان بوده است. در دیرینه شناسی نزول وحی ما با پیشینه‌ای کهن مواجه هستیم. پیشینه‌ای که قدمتش بسان قدمت حیات انسان است. تمدن اسلام هم که با ظهور این واقعه شگرف و ژرف متولد شد از همان آغازین تولدش در متن خود عنایت و توجه به این واقعه را به همراه داشت. این توجه فراوان به همراه ماهیت رمزآلود و رازآمیز این واقعه عالمان و اندیشمندان جهان اسلام را به نظریه‌پردازی‌های متفاوت و مختلفی کشانیده که پاره‌ای از آراء ایشان بسیار قابل تأمل و خواندنی است. مباحث و نظریات ارائه شده مربوط به لفظی بودن یا نفسی بودن وحی؟ قدیم بودن یا حادث بودن؟ کیفیت و چگونه‌گی دریافت وحی - با توجه به دوگونه‌گی وجود انسان و فرشته -؟ حالات پیامبر در هنگامه دریافت وحی؟ و... از جمله این مباحث اند.

یکی از این نظریه‌ها، تئوری دوگانگی نزول قرآن بر پیامبر (ص) است. این رأی که از شهرتی قابل توجه در میان قرآن پژوهان و مفسران شیعی و سنی معاصر برخوردار است، از طرف پاره‌ای از اندیشمندان شیعی و سنی از دیرباز مورد مناقشه قرار گرفته و برای ایشان سؤال برانگیز بوده است.

علوم قرآنی به عنوان دانشی که به وحی و فرآیند آن می‌پردازد، دریافت وحی، درک وحی و اقسام و گونه‌های متعدد آن را به گونه‌ای بدیع و جدی مورد بحث قرار داده و بدان توجه جدی نشان داده است. در این بحث، مناسب است که به چیستی نزول، دیرینه‌شناسی و اقسام آن پرداخته و هر یک را به میزانی که مناسب این نوشتار است، تعریف کنیم.

کلید واژه‌ها: وحی، دوگانگی نزول، نزول، قرآن.

چیستی نزول و انزال

۱. واژه‌شناسی نزول

نزول وحی به عنوان فرآیند ارتباط آسمان و زمین و ماده و معنی هم از جهت محتوایی و هم شکلی از همان ابتداء مورد توجه مخاطبان بوده است. قرآن خود نیز در مواردی این توجهات را بازتاب داده و به آن‌ها اشاره داشته است. سؤالات مشرکان در مورد چگونگی نزول وحی، و ویژگی‌های گیرنده وحی - نبی -، چرایی نزول وحی به صورت تدریجی و... از این جمله‌اند. برای واژه نزول دو معنای لغوی و اصطلاحی هست که به صورت مختصر بدان اشاره کرده، و توضیحاتی هر چند کوتاه را ارائه می‌دهیم.

الف: نزول در لغت: نزول در لغت به معنای فرود است. یکی از لغویان در این باره می‌نویسد: نزل: النزول، بالضم: الحلول وهو فی الأصل انحطاط من علو. ^۱ راغب نیز در معنای نزول این گونه آورده است: النزول فی الاصل هو انحطاط من علو، یقال: نزل عن دابته و نزل فی مکان؛ ^۲ نزول به معنای پایین آمدن از سطحی بالاست - مثلاً در مورد کسی که سوار بر چارپا باشد و پایین بیاید می‌گویند - نزل عن دابته.

ب: نزول در اصطلاح: در اصطلاح نیز نزول به همین معنای لغوی وفادار است، نزول را فرو فرستادن آیات قرآن دانسته‌اند. در معنای اصطلاحی صاحب نظران به فرادستی و

فرودرستی توجّه داشته و گفته اند نزول در اصطلاح عبارت از فرود متنی است که فرادست آن را به فرودست می دهد. فرود آمدن آیات الهی از بالا به پایین را - چه معنوی و چه مادی - نزول نامیده اند.

ج: قرآن و معنای لغوی نزول: قرآن نیز واژه نزول را در همین معنای فرود به کار برده است. از جمله مواردی که قرآن کریم واژه نزول را در معنای لغوی «فرود» استعمال کرده است می توان به آیات ذیل اشاره کرد: آیه شریفه: «...وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى...» (البقرة، ۵۷/۲)؛ فرستادیم بر شما «من» و «سلوی» را. و آیه شریفه: «وَتَزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا...» (ق، ۹۵/۵۰)؛ فرستادیم از آسمان آب با برکتی را پس رویانیدیم... و آیه شریفه: «هَلْ يَسْتَطِيعُ رُبُّكَ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ» (المائدة، ۱۱۲/۵)؛ آیا خدای تو تواند که برای ما از آسمان مائده ای فرستد. روشن است که نزول در این موارد به معنای لغوی استعمال شده است و نه اصطلاحی؛ چراکه نزول «من» و «سلوی» نمی تواند معنایی غیر از معنای لغوی داشته باشد هم چنان که نزول آب از آسمان و مائده های آسمانی نیز این گونه است.

د: قرآن و معنای اصطلاحی نزول: قرآن همان طور که نزول را در معنای لغوی استعمال کرده است در موارد متعددی نیز آن را در معنای اصطلاحی به کار گرفته است. از جمله مواردی که قرآن واژه نزول را در معنای اصطلاحی به کار برده است می توان به آیات ذیل اشاره کرد: آیه شریفه: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مَكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (الإسراء، ۱۷/۱۰۶)، و آیه شریفه: «وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ» (الشعراء، ۱۹۸/۲۶)، و آیه شریفه: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (الحجر، ۹/۱۵).

۲. واژه شناسی انزال

الف: انزال در لغت: انزال نیز یکی از دیگر از واژه گانی است که قرآن آن را به دو معنای لغوی و اصطلاحی استعمال کرده است. برخی از نویسندگان تصریح کرده اند که معنای لغوی انزال همانند نزول است. در معنای لغوی انزال آنچه نتیجه می دهد همان فرود و پایین آمدن است. در انزال بسان نزول انحطاط و فرود از بلندی به پایین است. قطب رازی در حواشی کشف می نویسد: انزال در لغت به معنای ایواء - جاددان - و به معنای حرکت دادن چیزی از بلندی به پستی می باشد...^۳ است. در پاره ای از منابع دیگر نیز انزال

آیات این گونه معنی شده است: انزال در مورد آیات قرآن به معنای فرو فرستادن آیات به طور یکباره و دفعهٔ واحده است.^۴

ب: انزال در اصطلاح: در اصطلاح نیز انزال به همین معنای لغوی وفادار است. مفسران و پژوهشگران قرآنی انزال را فرو فرستادن آیات قرآن دانسته اند. در معنای اصطلاحی این واژه همانند نزول صاحب نظران به فرادستی و فرودستی توجه داشته و گفته اند انزال در اصطلاح عبارت از فرود متنی است که فرادست آن را به فرودست می دهد. اندیشمندان و مفسران فرود آمدن آیات الهی از بالا به پایین را - چه معنوی و چه مادی - انزال نامیده اند اگرچه در چگونگی و شکل تحقق این فرود آمدن میان ایشان اختلاف است.

یکی از صاحب نظران در هنگام ارائه تصویر این اختلاف با اشاره به اقوال مختلف در مورد ماهیت انزال می گوید: و اعلم ان العلماء اختلفوا فی معنی الانزال فمنهم من قال هو اظهار القراءة و منهم من قال اللهم الله تعالى كلامه جبرئيل وعلمه قراءته ثم جبريل اداه فی الارض و منهم من قال يتلقفه الملك من الله تلقفا روحانيا أو يحفظه من اللوح المحفوظ فينزل به إلى الرسول و يليه عليه و منهم من قال ان الذين يقولون القرآن معنی قائم بذاته تعالی يقولون انزاله ايجاد الكلمات والحروف الدالة على ذلك المعنی و اثباته فی اللوح و اما الذين يقولون انه اللفظ فانزاله عندهم مجرد اثباته فی اللوح.^۵

ج: قرآن و استعمال لغوی واژه انزال: قرآن واژه انزال را هم در معنای لغوی و هم اصطلاحی فراوان به کار برده است از جمله مواردی که قرآن این واژه را در معنای لغوی استعمال کرده است می توان به آیات ذیل اشاره کرد: آیه شریفه: «وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزِلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» (المؤمنون، ۲۳/۲۹)؛ و باز بگو پروردگارا. مرا فرو فرست در منزلی پر برکت که تو بهترین فرود آورندگان. و آیه شریفه: «رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ» (المائدة، ۵/۱۱۴)؛ فرو فرست بر ما مائدهایی از آسمان. و آیه شریفه: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (الفرقان، ۲۵/۴۸)؛ و فرو فرستادیم از آسمان آب پاک کننده.

د: قرآن و استعمال اصطلاحی واژه انزال: قرآن کریم واژه انزال را همانند نزول در معنای اصطلاحی نیز استعمال کرده است که از آن جمله می توان از آیات ذیل یاد کرد: و آیه شریفه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (القدر، ۱/۹۷)؛ آن را در شب قدر فرو فرستادیم. و آیه شریفه: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ...» (الحشر، ۲۱/۵۹)؛ اگر این قرآن را بر کوه فرو

می فرستادیم می دیدی کوه را که... و آیه شریفه: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى...» (طه، ۲۰/۲)؛ آن را فرو فرستادیم که به مشقت بیفتی....

۳. آیا بین نزول و انزال تفاوت است؟

بحث مهمی که در این جا لازم است پیگیری شود، تفاوت بین انزال و تنزیل است. آیا همان گونه که پاره ای اصحاب لغت و مفسران گفته اند انزال و تنزیل ناظر به دو شکل از نزول وحی هستند یا خیر و یا نکته دیگری است؟

قبل از ارائه این بحث لازم است به دیرینه شناسی این بحث پردازیم تا در یابیم اولین کس یا کسانی که این تفاوت را مطرح کردند چه کسانی بودند و چرا بدین نکته پرداختند؟ الف: اولین مطرح کنندگان این تفاوت: تتبع و فحص در کتب لغوی و تفسیری و استقراء از آنچه در این مورد تدوین یافته به ما نشان می دهد که نمی توان با قاطعیت از ورود این تفاوت به مباحث علوم قرآنی و تفسیر از جانب واژه شناسان خبر داد. بلکه به نظر می رسد حق آن است که ورود این بحث به علوم قرآنی را باید به کسانی نسبت داد که دغدغه واژه شناسی آیات را داشته اند و نه صرف لغت شناسی.

یکی از کسانی که این چنین وارد بحث از واژگان قرآنی شده است نویسنده کتاب «المفردات» است. وی در این کتاب که آن را نمی توان لغت صرف دانست بلکه واژه شناسی ناظر به قرآن، دغدغه اصلی اش بوده در تفاوت بین این دو واژه ذیل عنوانی با نام «الفرق بین الانزال و التنزیل»^۶ بیان می کند:

قال بعض المفسرين: الانزال: دفعی، و التنزیل: للتدریج. قلت: و یدلک علیه قوله تعالی: «نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ» (آل عمران، ۳/۲)؛ حیث خص القرآن بالتنزیل لنزوله منجماً، و الکتابین بالانزال لنزولهما دفعة. و أما قوله تعالی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ» (الکہف، ۱/۱۸)؛ فالمراد هناک مطلقاً من غیر اعتبار التنجیم، و کذا قوله تعالی: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (القدر، ۱/۹۷)؛ فان المراد إنزاله إلى سماء الدنيا، ثم تنزیله منجماً علی النبی (ص) فی ثلاث و عشرين کما وردت به الروایات.^۷ در مقابل یکی دیگر از صاحب نظران نحوی که تنها از منظر لغت به این دو واژه نگریسته است به نقل از ابوالحسن نحوی می گوید: قال أبو الحسن: لا فرق عندی بینهما

إلا صيغة التثنية^۸ سیویه نیز که یکی از عالمان نحوی است ضمن اشاره به این نکته که تفاوت بین این دو واژه تنها صرف ادعاست می گوید: و كان أبو عمرو يفرق بين نزلت و أنزلت، و لم يذكر وجه الفرق.^۹ یکی دیگر از کسانی که به تفاوت این دو واژه پرداخته صاحب فروق اللغات است. وی در تفاوت این دو واژه می نویسد: قال بعض المفسرين الإنزال دفعي، و التنزيل: للتدرج^{۱۰} مفسرین بسیاری نیز به این تفاوت معتقدند که از آن جمله می توان به صاحب منهج الصادقین اشاره کرد.^{۱۱}

ب: چرایی مطرح شدن این تفاوت: قبل از هر چیزی به جاست که در این سؤالات تأمل کنیم به راستی این اعتقاد از کجا سر چشمه گرفته است؟ آیا همان طور که پاره ای از صاحب نظران گفته اند: ریشه در معضل جمع بین آیاتی است که در آنها اشاره به نزول قرآن در شب ليلة القدر ماه رمضان و روایات تاریخی ناظر به بعثت پیامبر عظیم الشأن (ص) در ماه رجب است، دارد یا خیر؟^{۱۲} به نظر می رسد این تمام واقعیت نیست؛ بلکه این اعتقادات خود فرآیند پاره ای از پیش فرض ها، ذهنیات، عرفیات و مباحث دیگر است.

یکی از پژوهشگران قرآنی ضمن اشاره به این نکته می نویسد: إن تتبع الآيات القرآنية يعطى عدم ثبوت الفرق المذكور بين (الانزال) و (التنزيل)،^{۱۳} مطالعه آیات قرآن خبر از عدم تفاوت بین این دو واژه می دهد. وی آن گاه ادامه می دهد و می نویسد: در تأیید این نکته قابل تذکر است که قرآن در موارد فراوانی این واژگان را به جای هم استعمال می کند. قرآن گاهی فرو فرستادن باران را با «انزال» خبر می دهد (البقرة، ۲/۲۲)، و گاهی با «نزول» (یونس، ۱۰/۲۴). درخواست نزول مائده آسمانی توسط حضرت عیسی و مسیحیان را گاهی با «انزال» بشارت می دهد (المائدة، ۵/۱۱۴)، و گاهی با «نزول» (المائدة، ۵/۱۱۲). و فرو فرستادن تورات را بر حضرت موسی گاهی با «انزال» خبر می دهد (آل عمران، ۳/۳)، و گاهی با «نزول» (آل عمران، ۳/۹۳) و...

آنگاه برای نمونه مواردی از استعمال این دو واژه در قرآن را مورد اشاره قرار داده و می گوید: مثلاً: قد ورد في القرآن قوله تعالى: «وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرَبِّكَ...» (الإسراء، ۱۷/۹۳) مع أن الكتاب المقروء إنما ينزل دفعة واحدة. كما ويلاحظ: أنه يستعمل كلمة «نزل» و تارة كلمة «أنزل» «مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (الفرقان، ۲۵/۴۸).^{۱۴} نتیجه گیری که این پژوهشگر ارائه می دهد عبارت است از: و كل ذلك يدل على عدم صحة هذا الفرق بين هاتين الصيغتين...؛^{۱۵} همه این موارد دلالت بر این می کنند که فرق مطرح شده میان این دو واژه صحیح نیست. نه تنها

ایشان بلکه بسیارند کسانی که این فرق را غیرقابل دفاع می‌دانند.^{۱۶} با توجه به آن چه گفته شد به نظر می‌رسد این عدم فرق در کاربرد قرآنی دو واژه نشان می‌دهد که واقعیت پشت سر این نظریه چیزی غیر از مشکل جمع بین آیات و وقایع تاریخی است که در بخش علل و دلایل ورود بحث دوگانگی نزول به پاره‌ای از این مباحث اشاره خواهد شد.

ج: ما نزل چیست؟ بحث مهم، چستی نازل یافته بر نبی است؟ آن چه پیامبر دریافت کرده و کیفیت دریافت توسط پیامبر از مباحث شنیدنی است که در مباحث علوم قرآنی از دیرباز مورد بحث بوده است. یکی از صاحب نظران در تشریح آراء موجود در مورد ماهیت آن چیزی که پیامبر دریافت کرده می‌نویسد: ثم فی المنزل علی النبی (ص) ثلاثة أقوال أحدها أنه اللفظ و المعنى . و ثانيها: أن جبريل نزل بالمعاني خاصة و أنه (ص) علمها و عبر عنها بلغة العرب و تمسك صاحب هذا القول بظاهر قوله تعالى: «تُرْزَلُ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلى قَلْبِكَ» (الشعراء، ۱۹۳/۲۶-۱۹۴) و ثالثها: أن جبريل ألقى عليه المعنى و أنه عبر بهذه الالفاظ بلغة العرب و أن اهل السماء يقرؤنه بالعربية ثم نزل به كذلك انتهى.^{۱۷}

در مورد این بحث سه نظریه وجود دارد: ۱. آن چه بر پیامبر نازل شده الفاظ و معانی قرآن هستند. ۲. معانی تنها توسط جبرئیل بر پیامبر نازل شده و عبارات مربوط به نبی هستند. ۳. معانی از آن جبرئیل و الفاظ از آن نبی است با این تفاوت که عربی بودن الفاظ در آسمان ها نیز به رسمیت شناخته شده است.

د: نتیجه این بحث: آن چه تذکرش به عنوان نتیجه این بحث لازم است چند نکته

است:

اولاً: این تفاوت نه در روایات و نه در تفاسیر صحابه و تابعین قابل رصد کردن نیست. ثانیاً: این تفاوت به نظر می‌رسد نه از ناحیه اهل لغت بلکه از ناحیه اصحاب تفسیر و یا عالمانی که دارای پیش ذهنیت و پیش فرض خاصی بودند ارائه گردیده است. ثالثاً: نمی‌توان تنها عامل ورود این بحث به عرصه مباحث علوم قرآنی را مشکل جمع بین پاره‌ای آیات و وقایع تاریخی دانست.

انواع نزول

همان گونه که اشاره شد وحی الهی در طول تاریخ و در ادیان مختلف حضور و ظهور داشته است. در مورد انواع نزول می توان دو گونه بحث کرد: درون دینی^{۱۸} و برون دینی^{۱۹}.

۱. تعدد نزول برون دینی: مشهور آن است که نزول وحی در طول حیات خود صورت های متعددی داشته است. هم در شکل و هم در محتوی. وحی گاهی با واسطه و گاهی بی واسطه بوده است،^{۲۰} متضمن شریعت نیز بوده است و گاهی نه. در پاره ای ادیان تنها شکل ارتباطی بین نبی الهی و آسمان از طریق وجود واسطه ای به نام ملک وحی «جبرئیل» بوده است کما این که در پاره ای ادیان تنها شکل ارتباطی القاء وحی در قلب نبی بدون هیچ واسطه ای بوده است.

اگر تعدد نزول را برون دینی، یعنی: نسبت به تمام ادیان به بحث بگذاریم، مشهور آن است که نزول متعدد بوده است، یعنی: هم نزول دفعی داشته ایم، مانند: تورات یک جا و یک دفعه به موسی و انجیل هم یک دفعه به عیسی داده شده است.^{۲۱} و هم نزول تدریجی، مانند: قرآن که نزول تدریجی داشته است. اگر تعدد نزول را برون دینی؛ یعنی: در اسلام به بحث بگذاریم آن گاه است که تعدد شکلی نزول با علامت سؤال مواجه خواهد شد. وحی الهی در طول تاریخ به دو شکل ویژه نازل شده است. این نکته را مفسران و پژوهشگران علوم قرآنی به خود قرآن نسبت می دهند. استدلال ایشان در این بحث به آیه: «لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ...» (الفرقان، ۳۲/۲۵) است که مفاد آن را در راستای دفاع از وقوع نزول دفعی و یک جایی در دیگر ادیان و شرایع الهی می دانند.

۲. تعدد نزول درون دینی: سؤال اساسی در بحث نزول وحی در اسلام این است که آیا نزول دوگانه بوده است یا خیر؟ آیات و روایات در این باره چه می گویند. قبل از وارد شدن به بحث مناسب است که در مورد انواع نزول تصویری روشن ارائه دهیم آن گاه به بحث بنشینیم.

جلال الدین سیوطی در الإِتقان ضمن اشاره به وجود سه نظریه در مورد چگونگی نازل شدن قرآن می گوید: در چگونگی نزول قرآن از لوح محفوظ به سه قول اختلاف شده است. قول اول: که صحیح تر و مشهورتر است این که: تمامی قرآن به طور کامل به آسمان

دنیا فرود آمد. سپس به طور پراکنده در عرض بیست سال یا بیست و سه سال و یا بیست و پنج سال به پیغمبر نازل شد... قول دوم: این است که، قرآن در بیست شب قدر یا بیست و سه شب قدر یا بیست و پنج شب قدر به آسمان دنیا نازل شد که هر مرتبه آنچه خداوند مقرر کرده است که در آن سال نازل شود، فرود می‌آید، بعد کم کم به طور پراکنده در تمام سال وحی می‌شد... قول سوم: این که ابتدای فرود آمدن قرآن در شب قدر بوده سپس به طور جدا جدا در اوقات مختلف فرود آمده است. ۲۳

در منابع شیعی نیز سید محمدباقر حکیم در تبیین نظریات ارائه شده در مورد انواع نزول می‌گوید: فی رأی عدد من العلماء أنّ القرآن الکریم نزل علی النبی مرتین، احداهما: نزل فیها جملة واحدة علی سبیل الاجمال و الأخری: نزل فیها تدریجا علی سبیل التفصیل خلال المدة التي قضاها النبی فی امته منذ بعثته الی وفاته. ۲۴

وی آنگاه در توضیح اجمال و تفصیل در نزول ادامه می‌دهد: و معنی نزوله علی سبیل الاجمال: هو نزول المعارف الالهية التي يشتمل علیها القرآن و أسرار الكبرى علی قلب النبی لکی تمتلی روحه بنور المعرفة القرآنية. و معنی نزوله علی سبیل التفصیل هو نزوله بألفاظه المحددة و آیاته المتعاقبة و التي كانت فی بعض الأحيان ترتبط بالحوادث و الوقایع و فی زمن الرسالة بدون کذلک مواکبة تطور.

و اینک به صورت تفصیلی به دو نظریه عمده رایج در میان پژوهشگران و عالمان شیعی و سنی پرداخته و أدله هر یک از دو نظریه را تبیین خواهیم کرد.

نظریه نزول دوگانه و معتقدان به آن

پیشینه نظریه دوگانگی: گرچه در دیرینه شناسی واژه‌گان، حکمت‌ها و رازهای نهان است که تلاش در شناسایی حیات و ممات آن‌ها را امری نیکو می‌نمایاند. اما این گونه نیست که همیشه بتوان اولاً: به آغازین حیات هر واژه و ثانیاً: به تمام رازها و حکمت‌های آن پی برد. واژگان «دفعی» و «تدریجی» نیز این گونه‌اند.

تبارشناسی دو واژه «دفعی» و «تدریجی»: اولین تلاش در تبارشناسی واژگان مراجعه به منابعی است که این واژگان در آن منابع در حال زیستن هستند و تناسب تولد و تداوم در آن منابع در آنهاست. زیست‌گاه این دو واژه را باید منابع روائی، تفسیری و کتب علوم

قرآنی دانست .

در منابع شیعی اعم از کتب روایی، تفسیری و علوم قرآنی تا آن جا که نگارنده پی گرفته است - برخلاف وضعیت کنونی این واژگان که در حجمی بسیار فراوان استعمال می شوند - نشانه ای از این دو واژه نیست . گرچه در روایات از مفاهیمی نزدیک به این دو واژه همانند «جمله واحده» یاد شده است . آن چه در این تلاش به دست آمد حکایت از ترویج این نظریه در دو قرن اخیر دارد، حتی کسانی مثل صدوق هم که این نظریه را مطرح کردند واژه دفعی را جعل نکرده است .

شیخ مفید در توضیح پیشینه ورود این بحث به اندیشه های شیعی می گوید: الذی ذهب الیه أبو جعفر فی هذا الباب أصله حدیث واحد لایوجب علماً و لاعمالاً و نزول القرآن علی الاسباب الحادثة حالاً فحالا یدل علی خلاف - ای لیس من المتواتر المقطوع به - ما تضمنه الحدیث ^{۲۶} سید مرتضی هم در پاسخ سؤالی راجع به نظریه دوگانگی نزول می نویسد: والذی ذهب الیه أبو جعفر ابن بابویه من القطع علی أنه انزل جملة واحدة ... معتمداً فی ذلك علی الأخبار المروية التي رواها فتلك اخبار آحاد لا توجب علماً و لا تقتضی قطعاً . ^{۲۷}

اندیشه و نظریه دوگانگی نزول به صورتی جدی و رسمی، توسط شیخ صدوق وارد اندیشه های شیعی شد . نکته شنیدنی و شیرین این بحث این است که گرچه این اندیشه دیر به منظومه تفکرات شیعی وارد شد، اما سریع منتشر و طرفداران فراوانی پیدا کرد . از جمله معتقدان به این نظریه در میان پیشینیان می توان از شیخ صدوق، ^{۲۸} طوسی، فیض کاشانی، ^{۲۹} و ... نام برد . هم چنان که در میان معاصران نیز می توان از علامه طباطبایی، ^{۳۰} مکارم شیرازی، ^{۳۱} و مشهور مفسران و پژوهشگران معاصر یاد کرد . در میان اهل سنت نیز مشهور مفسران و دانشمندان علوم قرآنی از جمله، اشاعره، ^{۳۲} فخر رازی، سیوطی و ... این رأی را برگزیده اند .

عادل سبزواری در کتاب خود ضمن آنکه دوگانگی نزول را مسلم فرض و آن را از اعتقادات همه مسلمانان دانسته می نویسد: «ليلة القدر» شبی است که در اعتقاد ما مسلمانان همه قرآن یکباره به روح پیغمبر اکرم (ص) القاء شد . این گونه القاء یک باره «انزال» نامیده می شود . ^{۳۳}

راوندی در دفاع از دوگانگی نزول آن را نظریه ای اتفاقی میان اندیشمندان شیعی و سنی می داند و می گوید: قد اتفقت الأمة من الخاصة و العامة؛ امت مسلمان از شیعه و سنی بر دوگانگی نزول اتفاق دارند. وی آنگاه بر خلاف رأی پاره ای اندیشمندان که روایات ناظر به این نظریه را شاذ و اندک می دانند ادعا می کنند: و تظافت بل تواترت نصوصهم علی ان الكتاب العزيز نزل أولاً فی لیلة القدر مجموعاً من اللوح المحفوظ الی البيت المعمور.... ۳۴

دوگانگی نزول و أدله معتقدان به آن

در نقد و بررسی نظریه دوگانگی نزول مناسب است ابتداء از آراء و نظریات شیخ صدوق شروع کنیم، چرا که وی یکی از طرفداران و شاید اولین کسی است که به صورت جدی و دقیق در میان شیعیان بحث دوگانگی نزول را مطرح و از آن دفاع کرده است. وی در الاعتقادات فی دین الامامیه می گوید: أن القرآن نزل فی شهر رمضان فی لیلة القدر جملة واحدة الی البيت المعمور، ثم نزل من البيت المعمور فی مدة عشرین سنة. و أن الله عزوجل أعطی نبیه (ص) جملة، ثم قال: «ولاتعجل بالقرآن من قبل...» (طه، ۲۰/۱۱۴)؛ ۳۵ قرآن در شب قدر ماه رمضان یک جا به بیت معمور [آسمان] نازل شد و در مدت ۲۰ سال نازل شد. خدای متعال قرآن را به نبی اش یک جا داد و فرمود: «ولاتعجل بالقرآن...». از این سخن شیخ صدوق بسیار روشن و واضح است که به دوگانگی نزول اذعان دارد و آن را مورد اثبات قرار می دهد. اگرچه این نظریه با آنچه از سیوطی نقل شد تفاوت دارد؛ اما هر دو یک نکته را اثبات می کنند که آن هم تعدد نزول است.

الف: درون دینی «آیات و روایات»: معتقدان به دوگانگی نزول با استناد به آیات و

روایات به عنوان دلایل درون دینی سعی کرده اند تا رأی خویش را موجه جلوه دهند.

آیات: ۱. آیه شریفه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...» (البقرة، ۱۸۵/۲)، معتقدان به دوگانگی نزول در تفسیر این آیه می گویند: واژه «أنزل» در این جا به همراه محدود شدن نزول قرآن به ماه رمضان دلالت بر این دارد که نزول این جا دفعی است. ۲. آیه شریفه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (القدر، ۱/۹۷)، ایشان ضمن استناد به این آیه می گویند: خداوند در این آیه سخن از نزول قرآن در یک شب می گوید. و نزول قرآن در یک شب همان نزول دفعی

است. این مفسران با تفسیر «آنزلناه» به انزال کل قرآن؛ ادامه می دهند که ضمیر «ه» به کل قرآن بر می گردد و وقتی به کل قرآن بر گردد تنها تفسیر، همین نزول دفعی است.

تفاوت واژه گان: طرفداران دوگانگی نزول می گویند این تفاوت در استعمال واژگان تنها تفاوت در الفاظ نیست. به بیان دیگر این دو نوع استعمال تنها به جهت ایجاد تنوع در لفظ و جلوگیری از تکرار و... نیست، بلکه ریشه در یک امر محتوایی و القاء یک امر اعتقادی دارد که عبارت از اشاره داشتن به نزول قرآن به دو گونه نزول است. ایشان معتقدند یکی از این واژگان اشاره به نزول تدریجی دارد و دیگری مُشیر به نزول دفعی است. اگر چه در هیچ یک از این دو گونه آیات به صراحت و یا کنایه به دو گونه بودن نزول اشاره نشده است.

روایات: دومین دلیل درون دینی روایاتی است که در مورد نزول قرآن به تصریح یا کنایه به تعدد نزول پرداخته و از آن سخن گفته اند. قابل انکار نیست که در روایات به شکل نزول و هم به محتوای آن اشاره های متعددی شده است اما استفاده این نظریه از این روایات کاری به نظر بسیار صعب و باور نکردنی است.

پاره ای روایات ضمن اشاره به کیفیت نزول قرآن از مراحل مختلف نزول نام برده که می توان از آن جمله به روایت ذیل که عیاشی از قول امام صادق (ع) نقل کرده اشاره کرد: «أنه سأل الامام الصادق (ع) عن قوله تعالى: «شهر رمضان الذي أنزل في القرآن» كيف أنزل فيه القرآن وإنما أنزل القرآن في طول عشرين سنة...؟ فقال الامام (ع): «نزل القرآن جملة واحدة في شهر رمضان الى البيت المعمور، ثم أنزل من البيت المعمور في طول عشرين سنة...»؛ از امام صادق راجع به کیفیت نزول سؤال شد، فرمود: قرآن یک جا در ماه رمضان به بیت معمور نازل شد و از آن جا به صورت تدریجی در ۲۰ سال بر پیامبر نازل شد. ۳۶

ب: برون دینی «استحسانات عقلی»: معتقدان به دوگانگی نزول معتقدند علاوه بر آیات و روایات دلالت کننده بر این نظریه؛ می شود مستحسانات عقلی نیز برای تعدد نزول ارائه کرد:

۱. عظمت کلام خداوند: پاره ای از ایشان معتقدند قرآن چون کلام خداست و همانند خود خداوند دارای عزت و عظمت است، بشر را توانایی تحمل آن نیست و برای آن که میزانی از همسانی و هم زیستی میان کلام خداوند و توان بشر ایجاد شود، قرآن نزولی دفعی بر آسمان معمور داشته است و از آن جا بر پیامبر که برگزیده و کامل ترین انسان

است فرود آمده است . به بیان دیگر ایشان برای توجیه این دوگانگی معتقدند در ارتباط بین خدا و بشر باید نوعی تناسب ولو فی الجملة ایجاد شود و این تناسب با دو گونه گی نزول به صورت اجمال ایجاد خواهد شد . حضرت امام خمینی (ره) در تفسیر سوره حمد و برخی سخنرانی های خود می فرمایند : قرآن را نازلش کرده پشت ستاره هایی ، استاری پشت سر هم وارد کرده ، نازل کرده تا رسانده اش به یک الفاظی که موافق با فهم بشر باشد... ۳۷

۲ . اجمال و تفصیل کلام : پاره ای از معتقدان در تحلیلی شبه عقلی معتقدند شیوه نزول آیات قرآن نیز همانند هر کار دیگر بشری دو مرحله دارد اجمال و تفصیل . ایشان می گویند نزول دفعی که شامل کلیات معارف الهی و دینی است همان نزول دفعی است . در واقع خداوند به عنوان خالق عقل و عاقلان خود نیز در این راه مسیری عقلانی را انتخاب کرده است و آن این که برای ارائه وحی به نبی اکرم (ص) ابتداء تصویری کلی از وحی و سرفصل های آن ارائه کرده و به بیان دیگر ساختار کلی وحی را خداوند ابتداء به پیامبرش ابلاغ کرده است و سپس به تفصیل و گام به گام به نزول وحی پرداخته است . ۳۸

نقد و بررسی نظریه دوگانگی نزول

این نظریه از زوایای مختلفی هم نسبت به آیات و هم نسبت به روایات مورد نقد قرار گرفته است .

۱ . نقد استدلال ایشان به آیات :

سید مرتضی در نقد استدلال شیخ صدوق به آیه شریفه «وَلَا تَعْجَلْ...» (طه، ۱۱۴/۲۰) می گوید : فلا نری من آی وجه دل علی أنه أنزل جملة واحدة . وی آن گاه ادامه می دهد دلالت این آیه بر نزول تدریجی به مراتب روشن تر از آن چیزی است که شیخ صدوق ادعا کرده است ؛ چرا که در آیه تصریح شده است : «مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ» (طه، ۱۱۴/۲۰) و هذا يقتضى أن فی القرآن منتظراً ما قضی الوحی به وقوع منه ، فان نزول ذلك علی ان المراد به قبل ان یوصی الیک بأرائه فهو خلاف الظاهر . ۳۹

وی آنگاه به یکی از شیوه های رایج در میان عالمان که طلب املاء از اساتید خود بوده اشاره کرده و می گوید ما راجع به تأویل این آیات که مورد سؤال قرار گرفته بودیم به صورت مفصل سخن گفتیم و آن گاه به پاره ای از آن نکات اشاره می کند : و ذکرناه عن أهل التفسیر

فیها وجهین و ضمنا الیہما وجہاً ثالثاً تفردنا بہ . و أحد الوجهین المذكورین فیہا : أنه كان (ص) اذا نزل علیہ الملک بشیء من القرآن قرأہ مع الملک المؤدی لہ الیہ قبل أن یستم الاداء حرصاً منہ (ص) علی حفظہ و ضبطہ... و الوجه الثانی : أنه کلیّ نہی أن یبلغ شیئاً من القرآن قبل أن یوحی الیہ بمعناہ و تأویلہ و تفسیر . آنگاہ بہ نظریہ خویش در این مورد اشارہ و ادامہ می دہد : و الوجه الذی انفردنا بہ : أنه (ص) نہی عن ان یتدعی من القرآن ما لم یوح الیہ بہ ، لأن ما فیہ مصلحۃ منہ لا بد من انزالہ و ان لم یتدع... ۴۰

۲ . نقد استدلال ایشان بہ روایات :

الف : این روایات شاذ هستند : یکی از اشکالات عمدہ این نظریہ این است کہ این روایات نصاب کمی و کیفی لازم را جهت اعتماد ندارند . این روایات نہ تنها متواتر و مشہور نیستند ، بلکہ جزو روایات شاذ هستند و لذا حجیت ساز نیستند . مرحوم شیخ مفید در یکی از آثارش ضمن نقد رأی مرحوم شیخ صدوق در کیفیت نزول وحی می گوید : هذا أخذہ أبو جعفر من شواذ الحدیث ، و فیہ خلاف لما قدمہ من أن اللوح ملک من ملائکة اللہ . ۴۱

ب : تعارض با روایات دیگر : اشکال دیگر این نظریہ این است کہ این روایت ہا با روایات فراوان دیگری در تعارض هستند . روایاتی کہ شہادت می دہند کہ قرآن نزولی متفرق و تدریجی داشتہ است . روایات فراوانی در مخالفت با این نظریہ هست بہ گونه ای کہ مرحوم سید مرتضی می گوید : و بازائہا أخبار کثیرة أشهر منہا و أكثر ، تقتضی أنه أنزل متفرقاً ، و أن بعضہ نزل بمکة و بعضہ بالمدينة و لهذا نسب بعض القرآن الی إثمہ مکی و بعضہ مدنی ، و أنه (ص) کان یتوقف عند حدوث حوادث كالظہار و غیرہ... ۴۲

۳ . اشکالات دیگر نظریہ دوگانگی نزول :

الف : قابل درک نبودن نزول دفعی : یکی از اشکالات عمدہ این نظریہ غیر قابل درک بودن نزول دفعی است . این نظریہ ہم از جهت محتوی و ہم شکل قابل درک نیست . بہ راستی نزول دفعی بہ چه معناست ؟ آیا تمام قرآن بہ ہمین شکل موجود بہ صورت دفعی بر پیامبر (ص) نازل شدہ است ؟ شکل نزول دفعی چگونه بودہ است ؟ آیا... و از نظر محتوایی ہم این نظریہ قابل درک نیست . اولاً چه لزومی بہ دو نزول بودہ است ، ثانیاً نزول اول - دفعی - چه هدفی داشتہ و حکمت آن چیست ؟ و... .

یکی از مفسران معاصر در نقد نظریہ دوگانگی نزول می گوید :

نزول القرآن علی قلب محمد (ص) دفعة واحدة ثم نزل علیه تدریجاً معناً غامضاً لانستطیع ادراکه؛ ۴۳ نازل شدن قرآن بر قلب رسول گرامی اسلام (ص) به صورت دفعی سپس نزول آن به گونه تدریجی معنای مشکلی است که ما استطاعت درکش را نداریم.

ب: نزول دفعی بلا توجیه است: نزول دفعی که به معنی فرود کامل قرآن به بیت معمور است؛ با توجه به این که بیت معمور هم مکان و فضای غیر قابل فهمی است، کاری غیر قابل توجیه است. یکی از مفسران در ذیل تفسیر سوره قدر با اشاره به اسطوره ای بودن نظریه نزول دفعی قرآن می نویسد: و هذه اسطورة لا يقبلها العقل و الدین و لا آی القرآن المبین ... ۴۴ و هم چنین یکی دیگر از مفسران و پژوهشگران حوزه علوم قرآنی نسبت به قابل توجیه بودن یا نبودن نزول دفعی با ارائه پرسشی، پاسخ های داده شده را مورد نقد قرار داده و می نویسد: ما هی الفائدة الملحوظة من وراء نزول القرآن جملة واحدة فی احدی السماوات العلی، ثم ينزل تدریجاً علی رسول الله (ص). وی آن گاه به پاسخ های داده شده به این پرسش از ناحیه صاحب نظران پرداخته و پاسخ ها را یا سست و غیب گویی می داند و یا آن ها را بی دلیل می شمرد. ۴۵

ج: نزول دفعی تالی فاسد دارد: نکته مهمی که در این نظریه مورد غفلت قرار گرفته رابطه متن و واقعیت است. حقیقت آن است که قرآن در تعاملی جدی با عصر نزول بوده است. ۴۶ و بازتاب دهنده پرسش ها، کُنش ها و واکنش هاست. سؤال از خمر را مطرح می کند و به پاسخ آن می پردازد، دلتنگی پیامبر و مؤمنان را مطرح و دلداری می دهد. مشرکان را به مبارزه فرهنگی می طلبد و... این شیوه ورود و خروج آیات مستلزم نزول تدریجی قرآن و هر متن دیگری است. در نزول دفعی به یک متن خاص تبدیل می شود که با واقعیت های موجود در عصر نزول و حدویش ارتباطی روشن ندارد. بنابر نظریه نزول دفعی، قرآن که متنی است همراه زمان، زمینه و عصر نزول می باید وجودی قبل از زمان داشته باشد. به بیان دیگر قرآن در این نظریه متنی فرا تاریخی و فرا زمانی دارد که هیچ ارتباطی با تاریخ ندارد. ۴۷

د: تعارض آن با برخی مباحث دیگر: نکته دیگری که در نقد نظریه فوق می توان گفت تعارض این نظریه با برخی مباحث دیگر علوم قرآنی و اعتقادی است. در نگاه به مباحث دینی می توان دو نگاه داشت: ۱. نگاه سیستماتیک؛ ۲. نگاه جزیره ای یا انفرادی. در نگاه سیستماتیک؛ باید هر نظریه را بخشی از پازل اندیشه دینی دانست و نمی توان در یک جا به

گونه ای حرف زد که با بقیه موارد تعارض داشته باشد .
 برخی از صاحب نظران معتقدند اعتقاد به دوگانگی نزول در یک نگاه سیستماتیک و ارگانیک قابل توجیه نیست چرا که در تعارض با برخی آموزه های دیگر است .
 ابوزید ضمن نقد نظریه دوگانگی نزول به تضاد آن با آیات نخستین سوره قدر و تعارض آن با «نسخ» در قرآن اشاره کرده و می گوید : این تصور نه فقط با آیه نخست سوره قدر در تعارض است ، بلکه با مسأله «نسخ» و لغو حکم و منطوق برخی آیات قرآن ناسازگار است .
 وی آن گاه ضمن رد نظریه دوگانگی نزول نتیجه می گیرد : باید گفت که برداشت مطابق و هماهنگ با واقعیت این است که بگوییم مراد از انزال یاد شده در آن دو آیه ۱۸۵ سوره بقره و آیه ۱ سوره قدر آغاز نزول قرآن است و دیگر تفاسیر بر پایه فرضیات ذهنی استوارند .^{۴۸}

نظریه یگانگی نزول ، ادله و معتقدان

جمعی از پژوهشگران و اندیشمندان شیعی و سنی معتقدند قرآن تنها یک نزول داشته است و آن هم نزول تدریجی است . از جمله ایشان می توان در میان شیعیان از شیخ مفید ،^{۴۹} سید مرتضی ،^{۵۰} صالحی نجف آبادی ،^{۵۱} محمد هادی معرفت ، محمد حسین فضل الله و ... می توان نام برد و در میان اهل سنت نیز از کسانی هم چون ابن عاشور ، نصر حامد ابوزید و ... می توان نام برد .

سید مرتضی که یکی از معتقدان به وحدت نزول است ضمن اشاره به درون دینی بودن این بحث می گوید : در این بحث باید به أدله نقلی استناد جست نه أدله عقلی ؛ چرا که در این وادی عقل سزاوار ورود نیست .^{۵۲}

این صاحب نظران برای این بحث دلایل فراوانی اقامه کرده اند که در ضمن دو عنوان درون دینی و برون دینی بدان ها خواهیم پرداخت .

الف : دلایل درون دینی : آیات : یکی از صاحب نظران مدافع این نظریه تصریح می کند که «فأما القرآن نفسه فإدال علی ذلک» ؛ خود قرآن بر نزول واحد دلالت می کند . وی آنگاه به تبیین این نکته می پردازد :

۱ . آیه شریفه : «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً» (الفرقان ، ۳۲/۲۵) ، این آیه که با صراحت به نفی دوگانگی قرآن می پردازد ، در پاسخ به اشکال مشرکان ؛ که چرا این

قرآن همانند دیگر کتب آسمانی دفعی نازل نشده است، به تبیین چرایی این نکته پرداخته و می گوید: «كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ» (الفرقان، ۳۲/۲۵).

سیدمرتضی با اشاره به آیه: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً» (الفرقان، ۳۲/۲۵)، گوید: و لو كان أنزل جملة واحدة لقل في جوابهم قد انزل على ما اقترحتم. ولا يكون الجواب «كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً»، وی آن گاه ضمن اشاره به رأی مفسران که این آیه را به نزول تدریجی و گام به گام تفسیر کرده اند ادامه می دهد: المعنى إنا أنزلناه كذلك أى متفرقا يتمهل على اسماعه، و يتدرج الى تلقيه. این تفسیر را وی موافق ادامه آیه نیز دانسته و با اشاره به واژه ترتیل می گوید: و الترتیل أيضا إنما هو ورود الشی فی أثر الشی. ۵۳ یکی از مفسران معاصر که تفسیرش کتاب لغتی است گرانسنگ در واژه شناسی ترتیل ضمن بیان چند معنی برای این واژه می گوید: واتفقت اقوال الأئمة اللغة على أن هذا الترتیل مأخوذ من قولهم: نغمر مرتل و رتل، إذا كانت أسنانه مفلجة تشبه نور الأقحوان... و الترتیل يجوز ان يكون حالة لنزول القرآن، ای نزلناه مفرقا منسقا في الفاظه و معانيه غير متراكم فهو مفرق في الزمان. ۵۴

۲. آیه شریفه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (القدر، ۱/۹۷)؛ ابن عاشور که از طرفداران وحدت نزول است در تفسیر این آیه می گوید: فيجوز أن يراد به القرآن كله فيكون فعل «انزلنا» مستعملاً في ابتداء الإنزال لأن الذي انزل في تلك الليلة خمس للآيات الأول من سورة العلق ثم فتر الوحي ثم عاد انزاله منجما و لم يكن انزال القرآن إلا بعد نيف و عشرين سنة. ۵۵ وی آن گاه در تحلیل بدیعی به چرایی استعمال واژه انزال در این جا که ناظر به کل قرآن است می گوید:

ولكن لما كان جميع القرآن مقرراً في علم الله تعالى مقداره و أنه ينزل على النبي (ص) منجماً حتى يتم كان انزاله بانزال للآيات الاول منه لأن ما ألحق بالشی يعد بمنزلة أوله. ۵۶ روایات: در مورد روایات نازل به نزول نیز دو نوع روایت وجود دارد: الف: روایاتی که تصریح می کنند که قرآن به صورت تدریجی نازل شده است؛ ب: روایاتی که به فوائد نزول تدریجی اشاره می کنند و نزول تدریجی و رابطه متن و واقعیت را مورد اشاره قرار می دهند.

ب: برون دینی {استحسانات عقلی}: طرفداران نظریه نزول واحد برای قرآن به استحسانات

عقلی نیز استناد کرده‌اند که قابل توجه‌اند .

۱ . رابطه متن و واقعیت : رابطه متن و واقعیت در نگاه مسلمانان دو گونه بازتاب داشته است : نگاه اول این که می‌گویند می‌توان هیچ ارتباطی قائل نشد و معتقد بود که متون دینی ناظر به زمانه و زمینه نیستند و لذا فرا تاریخی‌اند . نگاه دیگر این که فرا تاریخی بودن را به معنی عدم تعلق آموزه‌ها و دستورات متن به یک زمان می‌دانند اما رابطه متن و واقعیت را هیچ وقت نفی نمی‌کنند . اینان زمانه و زمینه را مؤثر در فهم متن می‌دانند چرا که معتقدند متن با واقعیت‌های پیرامونی‌اش در داد و ستد بوده است . معتقدان به وحدت می‌گویند اعتقاد به نزول دفعی ، قطع کردن ارتباط متن با واقعیت پیرامونی‌اش است که ضمن آن که امری غیرقابل قبول است با پاره‌ای آیات قرآن هم در تضاد است . قرآن گزارش سؤالات مطرح شده توسط مشرکان و مسلمانان را ارائه داده است . قرآن پاره‌ای حوادث اجتماعی و سیاسی عصر نزول را بازتاب داده است...^{۵۷} و

۲ . موافقت این نظریه با قوانین حاکم بر طبیعت : جهان آفرینش جهان تدرّج و حرکت‌های گام به گام است . حقیقت این است که حرکت گام به گام اصل حاکم بر جهان آفرینش است ، چه در شکل و چه در محتوا . دینداری و دنیامداری انسان گام به گام و به تدریج تکامل یافته است . معتقدان به نظریه تدریجی نزول معتقدند ، نزول دفعی خلاف این اصل است . خلاف اصل بودن تنها مشکل این نظریه نیست ، بلکه خداوندی که خود اصل حاکم بر آفاق را اصل حرکت‌های گام به گام قرار داده است ، حتماً مصلحت ، حکمت و علتی در این نهاده است ، چگونه است که در عرصه هدایت‌گری به گونه‌ای دیگر رفتار کرده است . آن‌چه اجمالاً از این اصل به دست می‌آید رعایت قابلیت‌ها ، توانایی‌ها ، موقعیت‌ها و وقیعت‌هاست . به بیان دیگر اعتقاد به نزول دفعی ضمن آن که با این اصل ناهم‌خوان است ، مصلحت و علت و حکمت این اصل را نیز اصطیاد نمی‌کند . معتقدان به یگانگی نزول می‌گویند : نزول دفعی از این منظر هم قابل نقد و تأمل است .^{۵۸}

علل و دلایل ورود این بحث

یکی از پژوهشگران و روشنفکران عرب مصری در اشاره به چرایی مطرح شدن نظریه دوگانگی نزول می گوید: علت پیدایش تمام این فرض ها و توجیهاات پی در پی آن است که این دو از به کارگیری هر گونه دیدگاه نقادانه نسبت به روایات قدیمی پرهیز می کردند.^{۵۹} با توجه به اهمیت این بحث و چرایی ورود این گونه اندیشه ها به حوزه های فکری شیعی مناسب است که به دلایل و علل ورود این مباحث توجه کرد. به نظر می رسد بتوان در یک نگاه گذرا دلایل و علل زیر را در پاسخ به چرایی ورود این اندیشه ارائه کرد.

دلایل: ۱. حاکمیت تفکر نقل محور: واقعیت آن است که جهان اسلام چه شیعی و چه سنی از بدو تولد خود دو مکتب فکری عمده را به همراه داشته است. مکتب نقل محور که از آن به اهل حدیث یاد می کنند و مکتب عقل محور که از آن گاه به اعتزال یاد می شود و گاه به عقل گرایی. پاره ای از صاحب نظران ورود مباحثی این چنین را به حاکمیت تفکر نقل محور در برهه ای از تاریخ اسلام مربوط دانسته و معتقدند ورود اندیشه دوگانگی نزول به این برهه از تاریخ و حاکمیت استناد به روایات ولو ضعیف و غیرقابل دفاع بر می گردد. شیخ مفید که یکی از سرآمدان مکتب عقل گرایی در شیعه است در توضیح پیشینه ورود این بحث به اندیشه های شیعی در یکی از آثارش ضمن نقد نظریه شیخ صدوق در کیفیت نزول وحی می گوید: و الذی ذهب إليه أبو جعفر فی هذا الباب أصله حدیث واحد لایوجب علماً و لاعمالاً.^{۶۰}

سیدمرتضی نیز در پاسخ سؤالی راجع به نظریه دوگانگی نزول به همین نکته اشاره کرده و می گوید: و الذی ذهب إليه أبو جعفر ابن بابویه من القطع علی أنه جملة واحدة... معتمداً فی ذلك علی الأخبار المروية التي رواها فتلك أخبار آحاد لا توجب علماً و لا تقتضی قطعاً؛^{۶۱} آن چه شیخ صدوق را به اعتقاد بر دوگانگی نزول مستقر کرده است اخبار واحدی است که صادر شده اند به گونه ای که این اخبار نه تنها علم آور نیستند بلکه قطعیت مورد نظر صدوق نیز از آن ها استفاده نمی شود.

یکی از عالمان علوم قرآنی با صراحت در مورد این عامل چنین می نویسد: و قد أخذ الظاهريون من أصحاب الحديث بظاهر هذه الروایات، مستريحين بأنفسهم الى مدلولها

الظاهرى تعبدأ محضاً؛^{۶۲} ظاهر گرایان ضواهر روایات را بدان جهت که خود را به زحمت نیندازند مورد استناد قرار داده و بدان اکتفاء کرده اند.

۲. تسلط اندیشه‌های عرفانی و روی آوردن به رمزگرایی: یکی از نکاتی که با تأمل در اندیشه‌های دینی و تاریخ اسلام به دست می‌آید تسلط اندیشه‌های عرفانی و حاکمیت رمزگرایی در بُرهه‌ای از تاریخ بر حوزه اندیشه‌های دینی است. اسلام به عنوان دینی که سعی نموده است کمتر به رمزگرایی و راز آلودگی روی بیاورد، اولاً: به جهت ماهیت آسمانی خود، و ثانیاً: به جهت بد فهمی پیروان خود، در پاره‌ای موارد کاملاً دین را رمز آلود و راز آمیز جلوه داده است. گرچه حضور پاره‌ای آموزه‌ها و اندیشه‌های رمزی و راز آلود در گزاره‌های دینی همانند حروف مقطعه موجود در قرآن امری غیرقابل انکار است اما این بدان معنی نیست که ما تلاش در ابهام آلود کردن و رمزی نمودن اندیشه‌ها و گزاره‌های دینی داشته باشیم. یکی از موارد ورود و حاکمیت اندیشه رمزی همین بحث دوگانگی نزول است. با تأملی در منظومه فکری طرفداران دوگانگی نزول به وضوح می‌توان به این نکته پی برد که اینان آن گاه که پیش فرض رمز آمیز بودن آموزه‌های دینی را انتخاب کردند در مواردی این چنین که مرز خطر و مخاطره است به راحتی به راز آمیز بودن دین پرداخته و با بیان این اندیشه‌های راز آلود و کاملاً غیرقابل فهم، آن را به دین منتسب می‌کنند.

۳. ورود اندیشه‌های جدید به جهان اسلام با نهضت ترجمه: نهضت ترجمه و ورود آموزه‌های دیگر قطب‌های جهان به جهان اسلام اگرچه سبب تحرک و پویایی بیشتر شد اما به همراه خود صدمات جبران ناپذیری نیز داشت.

اسلام به عنوان دینی که توانست در مدت کمی به تسخیر جهان بپردازد و جان‌ها و جسم‌های جهانیان را درنوردد از جهان پیرامون خود نیز تأثیر پذیرفت همان گونه تأثیر نیز گذاشت. اندیشه‌هایی که با نهضت ترجمه وارد حوزه دین شدند، در عرصه‌های مختلف مربوط به کلام، فلسفه، شریعت و تفسیر متون مذهبی بودند که تأثیر خود را بر نظام‌نامه اندیشه‌های اسلامی بر جای گذاشتند.

علل: ۱. چگونگی جمع بین آیات دو گانه قرآن: یکی از علت‌های مهم این نظریه را حلّ مشکل جمع بین آیات دو گانه قرآن دانسته‌اند. واقعیت آن است که ما در قرآن با دو نوع آیه مواجه هستیم. آیاتی که می‌گویند قرآن در شب قدر نازل شده و با واژه «انزلنا» آمده‌اند و

آیاتی که می‌گویند قرآن به صورت تدریجی و تنجیمی نازل شده‌اند و با تعبیر «تنزل» آمده‌اند. معتقدان به دوگانگی نزول در جمع این آیات با اذعان به این که نمی‌شود هم قرآن در شب قدر نازل شده باشد و هم به صورت تدریجی سعی در ارائه راه حلی برای جمع بین این دو نوع از آیات نموده و به این گونه رأی داده‌اند.

۲. چگونگی جمع بین آیات و روایات در مورد نزول: دومین علت که این صاحب نظران را به اعتقاد فوق رهنمون کرده است. مشکل جمع بین آیات و روایات در مورد نزول است. روایات ما از یک سو و تاریخ وحی نشان می‌دهد که جان پیامبر (ص) اولین بار در چهل سالگی و در غار حرا آن هم با نزول آیاتی از آیات الهی مورد نوازش قرار گرفت؛ اما از سوی دیگر آیات قرآن سخن از نزول قرآن در ماه رمضان و شب قدر می‌گویند. آنچه مسلم است این است که اولین نزول و سرآغاز ارتباط آسمان و زمین در این برهه خاص در ماه رجب بوده است نه رمضان و آن هم شب‌های قدر.

این صاحب نظران وقتی به چالش فوق که کیفیت جمع بین این آیات و روایات است گرفتار شدند بهترین، آسان‌ترین و کم‌درد سرترین راه حل را در همین خلق تئوری دوگانگی نزول دیدند. ایشان با تصریح به این که آیات مشیر به نزول در شب قدر ناظر به نزول دفعی‌اند و این روایات و تاریخ وحی سخن از نزول تدریجی می‌گویند به خیال خود به حل این مشکل و رفع این چالش پرداختند.

۳. عدم توجه به نقد متن حدیث: سومین علت به یک نکته مهم در دانش حدیث باز می‌گردد که عبارت از نقد متن حدیث است. معتقدان نزول دوگانگی نسبت به نقد متن حدیث اهتمام لازم نداشتند و تلاش نکردند احادیث را علاوه بر نقد سندی نقد محتوایی نیز بنمایند. اگر این صاحب نظران در مورد این گونه روایات توجه به متن حدیث می‌کردند و به نقد آن می‌پرداختند شاید به این نظریه حکم نمی‌دادند. صاحب کتاب گرانسنگ «التمهید فی علوم القرآن» ضمن اشاره به این که در این گونه امور که غیر عبادی هستند را نمی‌توان با تعبّد به روایات حل‌کرد به تمجید ناقدان این گونه روایات پرداخته و می‌گویند: أما المحققون من العلماء فلم يرقهم الأخذ بما لا يمكن تعقله ولا مقتضى للتعبّد ما لا يرجع الى اصول العباديات و من ثم أخذوا ينقدون هذه الاحاديث نقداً علمياً. ۶۳

۴. عدم تفکیک بین نزول ناظر به کل قرآن و غیر آن: آنچه در اندیشه‌های اصحاب

نزول دوگانگی به صورت شفاف تفکیک نشده رابطه و نسبت نظریه مورد بحث با قرآن موجود است. آیا قرآن موجود با این حجم از محتوا و شکل، دو نزول داشته است؟ علل شهرت دوگانگی نزول به این عدم تفکیک بر می گردد. چه بسا اگر این تفکیک اتفاق می افتاد نه تنها شهرتی رخ نمی داد بلکه این نظریه در اقلیت قرار می گرفت. به عنوان نمونه علامه طباطبایی^(ره) که یکی از مفسران برجسته و صاحب سبک در میان شیعیان است و معتقد به نزول دوگانه هم هست می گوید: لکن الذی لاینیغی الاریتاب فیه أن هذا القرآن المؤلف من السور و الآیات، بما فیه من السياقات المختلفة المنطبقة علی موارد النزول المختلفة الشخصية لا یقبل النزول دفعة. ^{۶۴} آنچه شکی در آن نیست این است که این قرآن موجود نمی تواند نزول دفعی داشته باشد.

-
- | | |
|---|---|
| ۱. تاج العروس، ۱۵/ ۷۲۸-۷۲۹. | ۱۴. همان. |
| ۲. المفردات راغب/ ۵۱۰. | ۱۵. همان. |
| ۳. الاتقان فی علوم القرآن «سیوطی»، ۲/ ۱۶۲. | ۱۶. حدیث های خیالی در مجمع البیان «صالحی نجف آبادی»/ ۳۳۴. |
| ۴. لغت نامه قرآن کریم «سبزواری»، ۲/ ۴۹۱. | ۱۷. کشف الظنون، ۲/ ۱۵۲۵. |
| ۵. کشف الظنون «حاجی خلیفه»، ۲/ ۱۵۲۵. | ۱۸. مراد از درون دینی یعنی: فقط در دین اسلام بحث المفردات/ ۷۹۹. |
| ۶. مفردات/ ۷۹۹. | ۱۹. مراد از برون دینی یعنی: در میان تمام ادیان آسمانی کنیم. |
| ۷. فروق اللغویة «أبو هلال العسکری»/ ۷۹. | ۲۰. الشوری، ۴۲/ ۵۱. |
| ۸. تاج العروس، ۱۵/ ۷۲۸-۷۲۹. | ۲۱. لغت نامه قرآن کریم، ۲/ ۴۹۱. |
| ۹. همان. | ۲۲. ر-ک: المیزان، ۱۵/ ۲۰۹ و بیشتر تفاسیر شیعی و سنّی ذیل این آیه. |
| ۱۰. فروق اللغات/ ش ۴۹. | |
| ۱۱. منهج الصادقین، ۱/ ۷. | |
| ۱۲. التمهید، ۱/ ۱۱۵ به بعد. | |
| ۱۳. الصحیح من السیرة، «جعفر مرتضی»، ۲/ ۲۴۷. | |

۲۳. الاتقان في علوم القرآن، ۲/ ۱۵۵ .
۲۴. علوم القرآن/ ۲۷ .
۲۵. همان .
۲۶. تصحيح الاعتقادات «شيخ مفيد»/ ۱۲۲ .
۲۷. رسائل المرتضى، ۱/ ۴۰۳ .
۲۸. الاعتقادات/ ۵۸ .
۲۹. تفسير الصافي، ۱/ ۴۲ .
۳۰. الميزان، ۲/ ۱۴ .
۳۱. الأمثل في تفسير كتاب الله المنزل، ۱۱/ ۲۴۹- ۲۵۱ .
۳۲. معنای متن «نصر حامد أبوزيد»/ ۱۸۴ .
۳۳. لغت نامه قرآن کریم، ۲/ ۶۲۱ .
۳۴. نفحات الرحمن، ۱/ ۶ .
۳۵. الاعتقادات في دين الامامية/ ۵۸ .
۳۶. تفسير العياشي، ۱/ ۸۰ .
۳۷. صحيفه نور، ۱۸/ ۳۱ و تفسير سوره حمد، ۲/ ۱۳۹- ۱۴۰ .
۳۸. علوم القرآن/ ۲۷ .
۳۹. رسائل المرتضى/ ۴۰۵ .
۴۰. همان .
۴۱. تصحيح الاعتقادات الامامية «مفيد»/ ۱۲۰ .
۴۲. رسائل المرتضى، ۱/ ۴۰۳ .
۴۳. من وحى القرآن، ۴/ ۲۷ .
۴۴. الفرقان، ۳۰/ ۳۷۴ .
۴۵. التمهيد «معرفت»، ۱/ ۱۱۹ .
۴۶. ر. ک. ناصر مکارم شیرازی، الأمثل في تفسير كتاب الله المنزل/ ۱۷۰ .
۴۷. ر. ک. ملاکات احکام و شیوه های استکشاف آن «ایازی»/ ۲۹۵- ۳۰۰ .
۴۸. معنای متن «نصر حامد أبوزيد»/ ۱۸۷ .
۴۹. تصحيح الاعتقادات/ ۱۲۲ .
۵۰. رسائل المرتضى، ۱/ ۴۰۱ .
۵۱. حديث های خیالی در مجمع البيان/ ۳۰۸ .
۵۲. رسائل المرتضى، ۱/ ۴۰۲ .
۵۳. همان .
۵۴. التحرير و التنوير «ابن عاشور»، ۱۹/ ۲- ۲۰ .
۵۵. همان .
۵۶. همان، ۳۰/ ۴۵۶ .
۵۷. ر. ک. : الأمثل، ۲/ ۱۷۱- ۱۷۲ .
۵۸. همان .
۵۹. معنای متن «نصر حامد أبوزيد»/ ۱۸۷ .
۶۰. تصحيح الاعتقادات/ ۱۲۲ .
۶۱. رسائل المرتضى، ۱/ ۴۰۳ .
۶۲. التمهيد، ۱/ ۱۱۸ .
۶۳. همان/ ۱۱۹ .
۶۴. الميزان، ۱۸/ ۱۳۱ .